

زیر پوست دانشگاه: واکاوی پدیده استثمار آکادمیک در نظام آموزش عالی ایران
Under the Skin of University: Uncovering Academic Exploitation
in Iranian Higher Education

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۵/۲۹، تاریخ ارزیابی: ۱۳۹۶/۴/۱۵، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۶/۲۹

Dr.Saeid Safaei Movahhed

دکتر سعید صفایی موحد^۱

Abstract: Some people might think that exploitation belongs to centuries ago and is no longer common, but a deeper consideration of the modern social institutions reveals that it turns out as a malicious modern-day phenomenon. While higher education has always been ideally considered as the epitome of lofty intellectual morals, when it comes to reality the sweet dream turns into a bitter thing. This study is based on a grounded theory inquiry to uncover the hidden curriculum in Iran higher education system. To gather the required data, the maximum variation strategy has been used for sampling and in-depth interview has been employed for delving into the issue. Based on the findings, academic exploitation can be considered as the core phenomenon and hub of hidden curriculum in Iran further education. This malignant issue can then be categorized into five aspects namely teaching, research, sexual, financial and moral exploitation. Furthermore, findings indicate that the exploitation originates from structural, cultural and economic factors (causal conditions). This core phenomenon is then encountered by superficial obedience and clandestine protest (strategies) culminating in reproduction of the academic exploitation (consequence). To validate the credibility of findings, three strategies have been used namely member check, peer debriefing and prolonged engagement, while political, economic, social and cultural conditions have been outlined to establish transferability. Dependability of the research is guaranteed by detailing the data analysis process.

Keywords: academic exploitation, hidden curriculum, higher education, grounded theory inquiry.

چکیده: این پژوهش با هدف شناسایی مسائل موجود در روابط استادان و دانشجویان در نظام آموزش عالی ایران صورت گرفت. بدین ترتیب تلاش شد تا جنبه‌های مختلف این مسائل با توجه به بافت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی حاکم بر نهاد دانشگاه در ایران واکاوی و بازنمایی شود. پژوهش حاضر در چارچوب رویکرد کیفی و با استفاده از روش تحقیق نظریه مبنائی (با نگاه سیستمی اشتراوس و کوربین) صورت گرفته است. برای جمع‌آوری داده‌ها از اطلاع‌رسان‌ها، مصاحبه‌های عمیق و غیررسمی مورد استفاده قرار گرفت و انتخاب اطلاع‌رسان‌های پژوهش به صورت هدفمند و با استفاده از راهبردهای نمونه‌گیری با حداکثر تنوع و نمونه‌گیری نظریه‌ای صورت پذیرفت. اطلاع‌رسان‌های پژوهش شامل ۴۵ دانشجوی کارشناسی، کارشناسی ارشد، و دکتری و همچنین ۱۲ استاد دانشگاه بودند. تحلیل داده‌های حاصل در سه مرحله کدگذاری باز، محوری، و گزینشی صورت پذیرفت و نظریه نهایی حول مقوله محوری "استثمار آکادمیک" شکل گرفت. نظریه تولید شده در چند مرحله از طریق راهبردهای بازبینی اعضا، تحلیل موارد منفی و چندسویه‌سازی منابع از حیث باورپذیری مورد تعدیل قرار گرفت. همچنین به منظور تامین معیار اعتمادپذیری، فرایند تحلیل داده‌ها تا شکل‌گیری نظریه تا حد ممکن توصیف شد. برای تحقق معیار انتقال‌پذیری نیز بافت پژوهش از حیث شرایط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به تصویر کشیده شد. بر اساس یافته‌ها، استثمار آکادمیک در نظام آموزش عالی ایران دارای ابعاد مالی، روانی، جنسی، پژوهشی، و آموزشی می‌باشد. این پدیده به دلیل شرایط ساختاری، فرهنگی، اقتصادی، و آکادمیک ظهور یافته و منجر به واکنش‌هایی چون انقباد ظاهری، اعتراض پنهان، و البته پذیرش و همدستی شده است. این واکنش‌ها تحت تاثیر باور رایج (شرایط مداخله‌گر) و جایگاه استثمارگر - استثمار شونده (شرایط زمینه‌ای) بروز پیدا کرده و منجر به بازتولید استثمار، تقلب پروری، و افول نهاد علم در جامعه شده‌اند.

کلمات کلیدی: برنامه درسی پنهان، استثمار آکادمیک، دانشگاه ایرانی، روش نظریه مبنائی.

مقدمه و بیان مساله

نگاهی به وضعیت فعلی نهاد دانشگاه در ایران و تحلیل تطبیقی عملکرد موجود آن با وضعیت ایده‌آل موردنظر جامعه و حکومت نشان می‌دهد که شکاف عظیمی بین "آنچه هست" و "آنچه باید باشد" وجود دارد. با نگاهی مجمل به آثار اندیشمندان و روشنفکران جامعه درمی‌یابیم که انتظار می‌رود دانشگاه موجب بسط روحیه تفکر و تحقیق، انصاف و احترام به حقایق علمی، علاقه به پژوهش و حل مساله، تربیت مغزهای متفکر و واگرا، احترام به علم به خاطر خود علم و نه هدف‌های انتفاعی، پرورش انسان‌های خلاق، درک ضرورت یادگیری مداوم، و تقویت هویت علمی شود (شریعتمداری، ۱۳۸۱). در نظریه‌های مربوط به آموزش عالی فلسفه وجودی دانشگاه با دلایلی چون انضباط فکری، جست و جوی بی‌طرفانه حقیقت و وفاداری به آن، ارتباط خلاق با جامعه، پاسخگویی اجتماعی و امثالهم توجیه می‌شود. روال‌ها و قواعد علمی اهالی علم را به صداقت علمی، پرهیز از تقلب و دوری از سرقت، همکاری جمعی و پرهیز از امساک و خشک دستی علمی دعوت می‌کنند (فراستخواه، ۱۳۸۹).

برای بررسی انتظارات حکومت از نهاد علم نیز می‌توان به اسناد بالادستی کشور مراجعه کرد. بر اساس "نقشه جامع علمی کشور" (۱۳۹۰) برخی انتظارات حکومت از نهاد علم را می‌توان به شرح ذیل برشمرد: تربیت انسان‌هایی مومن، توانا، خردمند، سالم، خلاق، آزاده، و دارای فضائل اخلاقی و اعتماد به نفس؛ تقویت ارزش‌های معنوی و فضایل اخلاقی در نهادهای علم و فناوری؛ ترویج فرهنگ آزاداندیشی، خردورزی، نقادی و نقدپذیری علمی؛ نشر دانش و ادای زکات علم همراه با حفظ مالکیت معنوی؛... همچنین در "سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴" (۱۳۸۲) که عالی‌ترین سند بالادستی در کشور ایران می‌باشد، جایگاه ایران از حیث مرتبه علمی اینچنین به تصویر کشیده شده است: توانا در تولید و توسعه علم، فناوری و نوآوری و به کارگیری دستاوردها در کلیه حوزه‌ها، حایز رتبه نخست منطقه در اولویت‌های علم و فناوری کشور، برجسته در حوزه فناوری‌های نوین در سطح جهانی، دارای تمدنی شکوفا، روزآمد و حکمت بنیان مبتنی بر هویت اسلامی - ایرانی.

البته اینگونه انتظارات از نهاد دانشگاه را شاید بتوان مولفه لاینفک هویت آموزش عالی در اکثر اجتماعات بشری دانست. برای مثال کارل یاسپرس^۱، فیلسوف شهیر آلمانی، دانشگاه ایده‌آل را چنین به تصویر می‌کشد: "دانشگاه تنها مکانی است که در آن، با پذیرش دولت و جامعه، دوره ای خاص می‌تواند روشن‌ترین خودآگاهی ممکن را ایجاد کند و گسترش دهد. مردم می‌توانند در آن تنها به قصد جستجوی حقیقت جمع شوند، زیرا این حقی بشری است که انسان‌ها

¹ Karl Jaspers

زیر پوست دانشگاه: واکاوی پدیده استثمار آکادمیک در ...

بتوانند در جایی بی هیچ قید و شرطی حقیقت را فقط به خاطر خودش جستجو کنند... دانشگاه نهادی است که افرادی را که به طور حرفه ای به جستجوی حقیقت و انتقال آن در چارچوب ضوابط علمی می پردازند متحد می کند^۱ (یاسپرس، ۱۹۵۹؛ ترجمه پارسا و پارسا، ۱۳۹۴). مرتون^۱ (۱۹۷۳؛ به نقل از قانعی راد، ملکی و حمیدی، ۱۳۹۲) نیز هنجارهایی که کنشگران عرصه علم می باید آنها را رعایت کنند شامل موارد ذیل می داند: عام گرایی و عدم ارزیابی بر مبنای معیارهای شخصی، اشتراک و عدم تنگ نظری در ارائه نتایج فعالیت های علمی، شک سازمان یافته و به تعویق انداختن قضاوت تا حصول شواهد قطعی، اصالت پژوهش، تواضع و فروتنی، به رسمیت شناختن/رسمیت یافتن، و بی غرضی یا بی طرفی عاطفی. از سوی دیگر دیوید رزنیک^۲ نیز علم را به مثابه یک حرفه دانسته و معتقد است کنشگران درگیر در آن به منظور توسعه دانش انسان، غلبه بر جهل، و حل مسائل علمی با یکدیگر همکاری می کنند. وی بر همین اساس دوازده اصل یا معیار برای رفتار اخلاقی در عرصه علم به شرح ذیل توصیه کرده است: درستکاری در پژوهش، دقت در تحقیق و پرهیز از خودفریبی، بلندنظری و انتقادپذیری، آزاداندیشی و عدم تعصب، کسب اعتبار و مدرک از مراجع معتبر، تعلیم و آگاهی بخشی دیگران، مسئولیت پذیری و پاسخگویی اجتماعی، قانون مداری، عدم صلب فرصت از دیگران در مسیر پیشرفت، احترام متقابل، بهره برداری درست از منابع محدود موجود، احترام به مشارکت کنندگان در تحقیق و رعایت حقوق آنها (رزنیک، ۱۹۹۸، به نقل از ودادهیر، فرهود، قاضی طباطبائی و توسلی، ۱۳۸۷).

اما به نظر می رسد که امید به تحقق این مفروضه ها با مشاهده کژرفتاری هایی در میان کنشگران اصلی دانشگاه (دانشجویان و اساتید) با تردید مواجه شده است. ظهور و وقوع کژرفتاری هایی چون سوق یافتن پژوهش های دانشگاهی در مسیر اهداف شرکت های خصوصی در جهت برخورداری از منافع و مزایای مادی، تحریف دستاوردهای تحقیق، تحصیل داده های تحقیق از تجربه های غیرواقعی و کذب، تصاحب و اقتباس نامشروع و بدون ارجاع مقالات و کارهای تحقیقی دیگران، چاپ کردن مقاله ها و نوشته ها به پشتوانه نفوذ اجرایی و سیاسی، سنت گرایی علمی... باعث شده است تا تصویر دانشگاهیان در جامعه دچار خدشه شود (قاضی طباطبائی و ودادهیر، ۱۳۷۹). به قول مایکل مولکی بین آنچه دانشمندان می گویند و آنچه عمل می کنند تفاوتی چشمگیر وجود دارد! (مولکی، ۱۹۷۹، به نقل از ودادهیر، فرهود، قاضی طباطبائی و توسلی، ۱۳۸۷). برای مثال، مطالعه یان میتروف (۱۹۷۴)، به نقل از قانعی راد و خسرو خاور، (۱۳۹۰) در بین ۴۲ تن از دانشمندان طرح موسوم به آپولو نشان داد که معیارهای اخلاقی

¹ Merton

² David Resnik

مرتون جنبه آرمانی دارند و توجیه کننده فعالیت های علمی واقعی و روزمره پژوهشگران نمی باشند. بر اساس نتایج این مطالعه، بسیاری از کنشگران عرصه علم از قبول دعاوی علمی که فرضیه های آنها را زیر سوال می برند سرباز می زنند و ضدهنجارهایی چون انحصارگرایی، مخفی کاری، و تعصبات آکادمیک در بینشان رایج است.

البته پژوهش های صورت گرفته در ایران در طی سالیان اخیر نیز حامل خبرهای خوبی از وضعیت نهاد دانشگاه در کشور نیستند و نشان می دهند برنامه درسی پنهان و قصدناشده دانشگاه تاثیرات مخرب خود را بیشتر از برنامه درسی رسمی و قصد شده به جای گذاشته است. مهرام، ساکتی، مسعودی و مهرمحمدی (۱۳۸۵) در پژوهشی که با هدف بررسی تحول هویت علمی در میان دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد انجام گرفت، به این نتیجه رسیدند که مولفه های مختلف برنامه درسی (استاد، دانشجو، مکان فیزیکی، روش تدریس، ارزشیابی، محتوا و قوانین و مقررات) نقشی تاثیرگذار در کاهش هویت علمی دانشجویان داشته اند. رباطی، محمد باقری، و حسنی (۱۳۹۳) نیز در پژوهشی که در بین فارغ التحصیلان مقطع دکتری دانشگاه های دولتی و آزاد داشتند به این نتیجه رسیدند که دانشگاه ایرانی در وظایف اصلی خود دچار قصور اساسی است، عدالت اجتماعی و اقتصادی در آن به سطح نازلی رسیده است، نگاه تبعیض آمیز بین موسسات مختلف آموزشی عالی ایجاد نموده است، در ایجاد امکانات برابر برای همه ناکام مانده است، و در برقراری ارتباطات موثر برون مرزی ناموفق بوده است. همچنین مصلی نژاد، پرنادآور، و رضایی (۱۳۹۲) تحقیقی بر روی دانشجویان پزشکی و پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی جهرم انجام داده و به این نتیجه رسیدند که تجربه های ناخوشایند این دانشجویان در حوزه برنامه درسی پنهان منجر به یأس و ناامیدی در بین آنان شده است، رفتارهای اساتید را بیشتر ناعادلانه و تبعیض آمیز ادراک می کنند، و سوگیری جنسیتی و نگرش مردسالارانه را تا حد زیادی در زندگی آکادمیک خود احساس کرده اند. پردخته، کاظم پور، و شکیبایی (۱۳۹۴) نیز بر اساس پژوهش خویش در بین دانشجویان شرق استان گیلان، نهاد دانشگاه را به اشاعه نابرابری جنسیتی، شکل دهی به کلیشه های جنسیتی و توسعه ایدئولوژی مردسالارانه محکوم کردند.

با جمع بندی موارد مطروحه بالا و همچنین سایر شکایات مطرح شده از سوی ذینفعان اصلی نظام آموزش عالی می توان نارضایتی از نظام آموزش عالی کشور را از چند بعد مدنظر قرار داد:

زیر پوست دانشگاه: واکاوی پدیده استثمار آکادمیک در ...

الف - حکومت رضایت چندانی از وضعیت نهاد دانشگاه در طی ۴۰ سال گذشته نداشته و با طرح موضوعاتی چون انقلاب فرهنگی، اسلامی سازی علوم انسانی، پاکسازی دانشگاه از عناصر غرب زده، ... سعی کرده است نارضایتی خویش را نشان دهد.

ب - دانشجویان معتقدند دانشگاه نقش چندانی در توسعه مهارت های کاربردی در آنها ایجاد نکرده است و دروس صرفاً مجموعه ای از حقایق غیر کاربردی را به آنها عرضه داشته اند.

ج - صاحبان مشاغل، فارغ التحصیلان را فاقد مهارت های لازم برای فعالیت در دنیای واقعی کار می دانند.

بدین ترتیب، پژوهش حاضر در پی پاسخگویی بدین سوال ها است:

۱- کژکارکردی اصلی نظام آموزش عالی در کشور چیست؟

۲- علل اصلی شکل گیری این کژکارکردی در ایران چیست؟

۳- پیامدهای حاصل از کژکارکردی نظام آموزش عالی کشور کدامند؟

اهمیت و ضرورت پژوهش

نظام آموزش عالی هر جامعه درصدد انتقال آشکار و پنهان هنجارها و نگرش هایی خاص به فراگیرندگان است. دانشجویان در طی تحصیل در دانشگاه در معرض یادگیری از برنامه های قصد شده و قصدناشده قرار داشته و بدین ترتیب تجربه هایی را کسب می کنند که شکل دهنده نظام ارزشی، اقتصادی و کنش های هدمند آنها می شود. اما به نظر می رسد که گاه اثربخشی برنامه های درسی ضمنی^۱، پنهان^۲، و قصد نشده^۳ و تجربه های حاصل از آنها به مراتب بیشتر از برنامه های درسی قصد شده^۴ می باشد. اندیشمندان برنامه درسی، مفهوم برنامه درسی پنهان را به عنوان استعاره ای مناسب برای توصیف ماهیت سایه وار، قصد نشده و ضمنی این تجربه ها مورد استفاده قرار می دهند. به عبارتی دقیق تر، برنامه درسی پنهان به آموخته هایی اشاره دارد که مدنظر برنامه ریزان درسی و مدرسان نبوده اما به دلیل حضور در فضای نهادهای آموزشی و در نتیجه تعامل با ساختار حاکم بر این نهادها شکل می گیرد (بوستروم^۵، ۲۰۱۰). این مفهوم نخستین بار در سال ۱۹۶۸ توسط فیلیپ جکسون^۶ در قالب "زندگی در کلاس های درس" مطرح شد. اما در ادامه دچار تحولات مفهومی گسترده ای شده و اندیشمندانی چون بنسون آر. اشنایدر^۷،

1 - implicit curriculum

2 - hidden curriculum

3 - unintended curriculum

4 - intended curriculum

5 - Boostrom

6 - Philip Jackson

اشنايدر^۱، جین آنیون^۲، هنری ژيرو^۳، و مايکل اپل^۴ تعاريف ديگري از آن عرضه نمودند (در اين مقاله همان برداشت اوليه جکسون از برنامه درسي پنهان، يعني آموخته‌هاي قصداً نشده مدنظر مي‌باشد).

در طی نزدیک به نیم قرن گذشته، پژوهش‌های متعددی از منظر برنامه درسی پنهان در نظام آموزش و پرورش ایران و دیگر کشورها صورت پذیرفته است. اما در صورتیکه دامنه جستجوی خود را به نظام آموزش عالی افزایش دهیم، متوجه می‌شویم که در مقایسه با نظام آموزش و پرورش پژوهش‌های زیادی به واکاوی این پدیده در نظام آموزش عالی کشور ایران نپرداخته‌اند. از جمله معدود پژوهش‌های صورت گرفته می‌توان به پژوهش مصلی‌نژاد، پرنداور، و رضائی (۱۳۹۳)، تقوائی یزدی، رحیمی، و یزدخواستی (۱۳۹۲)، رباطی، محمد باقری، و حسنی (۱۳۹۴) مهرام، ساکتی، مسعودی، و مهرمحمدی (۱۳۸۵)، امینی، مهدی‌زاده، ماشاللهی، علی‌زاده (۱۳۹۰)، صفائی موحد و باوفا (۱۳۹۲)، مصلی‌نژاد و مرشد بهبهانی (۱۳۹۲) و صفائی موحد (۱۳۹۰) اشاره کرد. تنها کتاب انتشار یافته در این حوزه متعلق به اریک مارگولیس^۵ می‌باشد که با عنوان "برنامه درسی پنهان در آموزش عالی"^۶ در سال ۲۰۰۱ منتشر شده و حاصل یک پروژه پژوهشی گسترده می‌باشد. بدین دلیل پژوهش حاضر می‌تواند به درک زوایای پنهان و قصداً نشده نظام دانشگاهی در ایران و فهم بهتر برنامه درسی پنهان در آموزش عالی کمک نماید. بدین منظور سعی شده است تا برنامه درسی پنهان در نظام دانشگاهی از منظر نظریه ساختاری-کارکردی^۷ و با هدف شناسایی کژکارکردی‌های^۸ نظام آموزش عالی ایران مورد بررسی قرار گیرد.

بافت پژوهش

برنامه درسی پنهان در هر جامعه تحت تاثیر شرایط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگي آن کشور قرار دارد. به منظور درک بهتر نظام آموزش عالی در ایران بهتر است ابتدا نگاه تاریخی مجملي به شرایط کشور ایران در طی ۴۰ سال گذشته داشته باشیم:

الف - بافت سیاسی: کشور ایران در سال ۱۹۷۹ یک انقلاب مردمی بزرگ را تجربه کرد. در این سال نظام پادشاهی در ایران سرنگون شد و مردم نظام جمهوری اسلامی را

1 - Benson R. Snyder

2 - Jean Anyon

3 - Henry Giroux

4 - Michael Apple

5 - Eric Margolis

6 - The Hidden curriculum in Higher Education

7 - structural-functional theory

8 - dysfunction

زیر پوست دانشگاه: واکاوی پدیده استثمار آکادمیک در ...

برگزیدند. استقرار این نظام در کشور موجب معیار قرار گرفتن اسلام و ارزش‌های شیعی در تمامی ارکان اقتصادی، سیاسی، آموزشی، ... شد. نظام آموزش عالی ایران نیز پس از انقلاب به شدت تحت تاثیر شرایط سیاسی قرار گرفت. برای مثال در طی سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۲ دانشگاه‌های کشور با توجیه انقلاب فرهنگی و با هدف پاکسازی نظام آموزش عالی از استادان و دانشجویانی که غرب‌زده به شمار می‌رفتند، تعطیل شدند. پس از این دوران، دروس متعددی در حوزه معارف اسلامی به برنامه درسی تمامی رشته‌ها افزوده شدند و پایبندی به ارزش‌های اسلامی ملاک اصلی استخدام استادان دانشگاه قرار گرفت. در طی سال‌های بعد نیز سیاستمداران و رهبران عالی رتبه کشور با طرح ایده‌هایی چون اسلامی‌سازی دانشگاه، اسلامی‌سازی علوم انسانی، ... به نارضایتی خویش از عدم تحقق کارکردهای دانشگاه بر اساس معیارهای اسلامی تاکید نمودند.

ب - بافت اقتصادی: کشور ایران در طی ۴۰ سال گذشته وابستگی زیادی به درآمدهای

نفتی داشته است. به همین دلیل هرگاه قیمت نفت شرایط صعودی را تجربه کرده است، کشور درآمدهای هنگفتی را داشته است و در هنگام کاهش قیمت نفت، وضعیت اقتصادی کشور با بحران مواجه شده است. نوسان قیمت نفت در طی سال‌های گذشته از یکسو و تحریم اقتصادی ایران از سوی کشورهای غربی از سوی دیگر باعث کاهش درآمدهای کشور شده است. در این راستا هزینه‌های تحصیل در نظام آموزشی عالی ایران که در سال‌های اولیه پس از انقلاب مجانی بود امروزه عمدتاً به عهده خود دانشجویان می‌باشد. دانشگاه‌های دولتی ملزم شده‌اند تا از طریق ارتباط با بخش صنعت و تجارت، برگزاری دوره‌های آموزش مجازی، راه‌اندازی دوره‌های شبانه و پردیس‌های خودگردان، ... به خودکفایی اقتصادی برسند. در کنار اینها دانشگاه‌های غیردولتی زیادی نیز همچون دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه علمی - کاربردی، دانشگاه‌های غیرانتفاعی، دانشگاه پیام نور تاسیس شدند که هزینه تحصیل در آنها کاملاً به عهده دانشجویان بوده و هیچگونه بورس تحصیلی را به دانشجویان ارائه نمی‌کنند. امروزه کشور ایران با حدود ۲۶۴۰ دانشگاه از حیث کمیت در دنیا رکورددار است! (سایت فردانیوز).

ج - بافت اجتماعی: کشور ایران کشوری است با تنوع فرهنگی بالا که ۷ قومیت بزرگ

در آن زندگی کرده و نزدیک به ۷۵ زبان و گویش در آن رواج دارد. در طی ۴ دهه گذشته توسعه موسسات آموزش عالی و مهاجرت اقوام به دیگر شهرها برای تحصیل باعث شده است که ترکیب قومیتی استان‌ها دچار تغییرات اساسی شده و امروزه بحث چندفرهنگی و آموزش و پرورش چندفرهنگی به محوری اساسی در گفتمان تعلیم و تربیت کشور تبدیل شود (گزیده نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۹۰).

د- بافت فرهنگی: کشور ایران در طی سال‌های گذشته با تقاضای اجتماعی سرسام آوری برای تحصیلات دانشگاهی مواجه شده است بطوریکه آمار دانشجویان ایران در سال ۲۰۱۶ به ۴/۳۴۸/۳۸۳ تن رسید. این رقم در مقام مقایسه با سال ۱۹۷۹ رشدی ۲۵۰۰٪ را نشان می‌دهد. این در حالی است که در سال ۲۰۱۳ تعداد ۵۵۶۸۶ دانشجو نیز بصورت رسمی در دانشگاه‌های خارج از کشور مشغول به تحصیل بوده‌اند. این آمار هنگامی شگفت‌انگیز می‌نماید که بدانیم نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در کشور ایران در سال ۲۰۱۵ حدود ۴۲٪ تخمین زده شده است. این شرایط می‌تواند حاکی از آن باشد که تقاضای اجتماعی برای تحصیلات دانشگاهی بیشتر حاصل باور جامعه در مورد جایگاه افراد تحصیل کرده، چشم و هم چشمی، و امید به کسب مشاغل اداری در سیستم اقتصادی است که ۸۵ درصد آن تحت سیطره حکومت می‌باشد. (به نقل از سایت موسسه پژوهشی و برنامه‌ریزی آموزش عالی، ۱۳۹۶).^۱

روش شناسی پژوهش

این پژوهش در چارچوب رویکرد کیفی و با استفاده از روش تحقیق نظریه‌مبنایی^۲ صورت گرفته است. نظریه‌مبنایی نوعی رویه نظام‌مند و کیفی برای تولید نظریه‌هایی است که به تبیین فرایند شکل‌گیری رویدادها، فعالیت‌ها، کنش‌ها و تعاملات در طی زمان می‌پردازند. این روش هنگامی مورد استفاده قرار می‌گیرد که نظریه‌های موجود قادر به تبیین مساله‌های موجود یا جامعه‌ای خاص نباشند (کرسول^۳، ۲۰۱۱). روش نظریه‌مبنایی دارای سه طرح عمده می‌باشد که عبارتند از طرح نظام‌مند^۴، طرح روئیدنی^۵، طرح ساختن گرایانه^۶ (کرسول، ۲۰۱۱). در این تحقیق از طرح نظام‌مند برای مطالعه کژکارکردی‌های نظام آموزش عالی کشور استفاده شده است. این طرح که در سال ۱۹۹۰ توسط اشتراوس و کوربین^۷ پایه‌گذاری شد بر تدوین یک تصویر عینی از نظریه در قالب ۶ مولفه اصلی تاکید می‌ورزد: شرایط علی^۸، بافت^۹، مقوله محوری^{۱۰}، شرایط مداخله‌گر^{۱۱}، راهبردها^{۱۲}، و پیامدها^{۱۳}. این نظریه ۶ بعدی حاصل کدگذاری

¹ - www.irphe.ac.ir

² - grounded theory design

³ - Creswell

⁴ - systematic design

⁵ - emerging design

⁶ - constructivist design

⁷ - Strauss and Corbin

⁸ - causal conditions

⁹ - context

¹⁰ - core category

¹¹ - intervening conditions

¹² - strategies

¹³ - consequences

زیر پوست دانشگاه: واکاوی پدیده استثمار آکادمیک در ...

داده‌ها در سه مرحله کدگذاری باز^۱، کدگذاری محوری^۲، و کدگذاری گزینشی^۳ می‌باشد (کرسول، ۲۰۱۱) که در این پژوهش نیز مبنای قرار گرفته است.

برای جمع‌آوری داده‌ها از اطلاع‌رسان‌ها، مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته و غیررسمی استفاده شد. اطلاع‌رسان‌های پژوهش شامل ۴۵ دانشجوی مقاطع کارشناسی (۱۴ اطلاع‌رسان)، کارشناسی ارشد (۳۰ اطلاع‌رسان) و دکتری (۱۱ اطلاع‌رسان) بودند که در دانشگاه‌های تهران، خوارزمی، و آزاد اسلامی مشغول به تحصیل می‌باشند. همچنین ۱۲ استاد نیز با سابقه کاری بین ۵ تا ۳۰ سال در این پژوهش مشارکت داشته‌اند. بنابراین راهبرد نمونه‌گیری در این پژوهش را می‌توان "نمونه‌گیری با حداکثر تنوع"^۴ دانست. انتخاب اطلاع‌رسان‌ها در حین پژوهش بر مبنای کمکی بود که می‌توانستند در تولید نظریه داشته باشند. به همین دلیل راهبرد دیگر نمونه‌گیری در این پژوهش را می‌توان "نمونه‌گیری نظریه‌ای"^۵ دانست. اشباع داده‌ها^۶ بطور کامل و با اطمینان بالا در اطلاع‌رسان ۵۷ حاصل شد.

به منظور حصول اطمینان از باورپذیری^۷ نتایج، نظریه تولید شده بر مبنای روش بازبینی اعضا^۸ در چندین مرحله در اختیار اطلاع‌رسان‌ها قرار گرفته و تعدیل و اصلاح شد. همچنین از راهبرد چندسویه‌سازی^۹ به منظور جمع‌آوری داده‌ها از منابع مختلف و کسب تصویری واقعی‌تر استفاده شد و تحلیل موارد منفی^{۱۰} نیز برای اعتباریابی نظریه بطور مستمر مورد استفاده قرار گرفت. افزون بر این، به منظور تامین معیار اعتمادپذیری^{۱۱}، فرایند تحلیل داده‌ها تا شکل‌گیری نظریه تا حد ممکن توصیف شده است. برای تحقق معیار انتقال‌پذیری^{۱۲} نیز بافت پژوهش از حیث شرایط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی توصیف شده است.

یافته‌های پژوهش

الف - یافته‌های مرحله کدگذاری باز: در این مرحله داده‌های حاصل از مصاحبه‌های

تجزیه شده و مقوله‌ها و زیرمقوله‌ها به شرح ذیل شکل گرفتند:

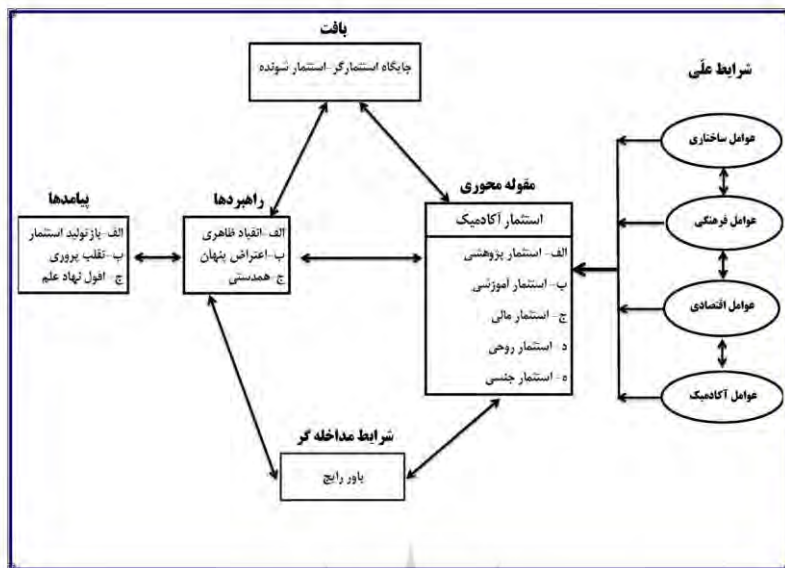
- 1 - open coding
- 2 - axial coding
- 3 - selective coding
- 4 - maximum variation sampling
- 5 - theoretical sampling
- 6 - data saturation
- 7 - credibility
- 8 - member check
- 9 - triangulation
- 10 - negative case analysis
- 11 - dependability
- 12 - transferability

منابع داده‌ها (اطلاعرسان‌ها)	مقوله‌های اصلی
۱،۲،۷،۸،۹،۱۷،۲۵،۳۲،۳۳،۳۷،۳۹،۴۰ ۴۱،۴۳،۴۷،۵۱،۵۶	ساختارهای اداری
۱،۳،۷،۸،۹،۱۷،۲۵،۳۴،۳۷،۳۸،۴۰،۴۱،۴۳،۵۷	شرایط فرهنگی
۵،۶،۷،۱۲،۱۹،۲۱،۲۲،۲۳،۲۴،۳۱،۳۲،۳۳،۳۷،۳۸،۳۹،۴ ۱،۴۴،۴۶	عوامل اقتصادی
۱،۲،۳،۴،۷،۸،۹،۱۰	نابرابری سطح علمی
۱،۲،۳،۴،۷،۱۸،۱۹	استثمار کردن
۱۲،۱۳،۱۴	نابرابری موقعیت اداری - اجتماعی
۱۹،۱۷،۱۸	باور رایج
۲۰،۲۱،۲۲	پذیرش و اختیار
۲۱	اعتراض پنهان
۲۲	رشد تقلب
۳۳	بی‌اعتباری دانشگاه

ب - یافته‌های مرحله کدگذاری محوری: در این مرحله، مقوله "استثمار آکادمیک"

به دلیل فراوانی تکرار و نقش اصلی که در داده‌ها داشت به عنوان مقوله محوری انتخاب شد و سایر مقوله‌ها پس از تعدیل و اصلاح در چارچوب "طرح نظام‌مند" به شکل ذیل سازماندهی شدند:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



ج - یافته‌های مرحله کدگذاری گزینشی: در این مرحله سعی می‌شود نظریه تولید

شده با استفاده از شیوه نگارش انتزاعی تبیین شود و از گزاره‌های متعدد برای تبیین ارتباط بین مقوله‌ها استفاده شود:

ج - ۱- مقوله محوری: استثمار آکادمیک - بر اساس فرهنگ لغات انگلیسی لانگ من^۱،

استثمار^۲ "وضعیتی است که در آن یک فرد بصورت ناعادلانه دیگران را به انجام کارهای موردنظر خویش ملزم می‌سازد و در قبال آن منفعت اندکی بدانها می‌بخشد"^۳. در کتاب "فرهنگ فارسی معین" نیز استثمار به معنای "بهره‌برداری از دسترنج دیگری" تعریف شده است. در مصاحبه‌هایی که با اطلاع‌رسان‌های این پژوهش صورت گرفت، بهره‌کشی و سرکوب مضمونی بود که بارها و بارها با اسامی مختلف تکرار شد. به نظر می‌رسد دانشگاهی که یکی از اهداف آن ایجاد فضای آزاداندیشی و آزادی خواهی است به مکانی تبدیل شده که در آن صاحبان قدرت ساختاری به انحاء مختلف سعی دارند از اقشار فاقد این نوع قدرت در جهت رسیدن به منافع خویش بهره‌برداری نمایند. بدین ترتیب می‌توان گفت استثمار آکادمیک وضعیتی است که در آن صاحبان قدرت ساختاری در دانشگاه (بطور عمده اساتید) سعی می‌کنند کنشگران^۴ فاقد این نوع

1 - academic exploitation

2 - exploitation

3 - www.Idoconline.com

4 - actors

قدرت (عمدتاً دانشجویان) را ملزم سازند تا شرایطی را برای آنها فراهم سازند (مثلاً چاپ و نگارش مقاله، ترجمه کتاب،...) که در ارتقاء جایگاه سازمانی آنها در نظام آموزش عالی (عمدتاً ارتقاء رتبه) مورد استفاده‌شان قرار گیرد. گاهی اوقات کنشگرانی (دانشجویانی) که از عامل قدرت تبعیت نمی‌کنند و یا ایده و عقیده‌شان با آنها در تضاد است دچار سرکوب^۱ و طردشدگی^۲ می‌شوند. استثمار آکادمیک به شیوه‌ها و صور ذیل در دانشگاه بروز پیدا می‌کند:

- استثمار پژوهشی^۳: امروزه نظام آموزشی عالی در ایران تا حد زیادی بر انتشار و چاپ مقاله تاکید می‌کند. سیاستمداران و صاحب منصبان حکومتی از این حربه بهره می‌برند تا نشان دهند ایران در تولید علم جزو کشورهای پیشرو قرار دارد، دانشگاه‌ها افزایش تعداد مقالات را زمینه‌ای برای بهبود جایگاه خویش در رتبه‌بندی‌های ملی و بین‌المللی می‌دانند، اساتید از این وضعیت برای ارتقاء جایگاه ساختاری خویش در سلسله مراتب دانشگاه استفاده می‌کنند، و نهایتاً این دانشجویان هستند که بار اصلی را در این زنجیره استثماری به دوش می‌کشند و البته کمترین بهره ممکن را به دست می‌آورند. این تاکید دیوانه‌وار بر مقاله‌سازی و مقاله‌پردازی باعث شکل‌گیری موسسات سوداگرانه‌ای شده است که در کمال آزادی وعده نوشتن مقاله و چاپ آن را در نشریات داخلی و بین‌المللی می‌دهند. م.ک دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی می‌گوید: "نمره آخر ترم ما منوط به چاپ مقاله علمی - پژوهشی شده است. منکه هنوز تازه ترم دوم هستم چگونه می‌توانم کاری در این حد انجام دهم. مجبور شده‌ام با پرداخت مبلغ نزدیک به ۱/۵ میلیون تومان کار را به موسسه‌ای در میدان انقلاب بسپارم. استاد من جوان است و ظاهراً برای ارتقاء یا تثبیت استخدام خود به این مقالات نیاز دارد. او هم بی‌رحمانه فشار را به دوش من منتقل می‌کند". م.د دانشجوی دکترای علوم تربیتی نیز معتقد است: "اکثر اساتید معروف ما که اکنون به درجه استادی رسیده‌اند، پا بر دوش ما دانشجویان گذاشته‌اند. اگر به رزومه فلانی نگاه کنید نزدیک به ۱۰۰ مقاله علمی - پژوهشی و حدود ۷۰ کتاب دارد. بروید بررسی کنید در انجام هر کدام از این‌ها چقدر نقش داشته است. در تمامشان هم اسم او در جایگاه اول قرار دارد." الف.ر دانشجوی ارشد مهندسی شیمی - نفت از بعد دیگری این استثمار را واکاوی می‌کند: "دکتر م.م ارتباط خوبی با نهادها و سازمان‌های دولتی دارد. پروژه‌های خوب را جذب می‌کند و ما آن را انجام می‌دهیم. در آخر نیز مبلغ بسیار اندکی از پول پروژه را به ما می‌دهد. مقالات حاصل از پروژه نیز کاملاً به اسم خودش چاپ می‌شود!" این زنجیره استثمار آنقدر مرسوم و رایج است که همه از آن آگاهی دارند، ولی اقدام چندانی برای مقابله با آن صورت نمی‌گیرد. ن.ک

¹ - suppression

² - exclusion

³ - research- based exploitation

زیر پوست دانشگاه: واکاوی پدیده استثمار آکادمیک در ...

استاد پیشکسوت دانشکده روان‌شناسی نگاه نقادانه‌ای به این وضعیت دارد: "متأسفانه برخی همکاران من دانشجویان قوی‌تر را گلچین می‌کنند و سپس با تطمیع آنها، به نگارش و چاپ مقاله در نشریه‌ها و همایش‌ها اقدام می‌کنند. همه ما از این وضعیت آگاهی داریم، ولی به روی خودمان نمی‌آوریم چون ظاهراً کم و بیش خودمان هم در این کار به انحاء مختلف دست داریم." استثمار پژوهشی را می‌توان قوی‌ترین بعد استثمار آکادمیک در نظام آموزش عالی ایران دانست.

- استثمار آموزشی: یکی از عمده‌ترین وظایف اساتید دانشگاه، تدریس می‌باشد. اهمیت

تدریس به نحوی است که گاه آن را معیار اصلی برتری و تمایز اساتید کارآمد از ناکارآمد به حساب می‌آورند. اما روند عجیبی در سال‌های اخیر در دانشگاه‌های کشور (خصوصاً در حوزه علوم انسانی و علوم رفتاری) شکل گرفته است، بدین ترتیب که برخی اساتید کتاب را به چند بخش تقسیم کرده و ارائه آن در کلاس را به دانشجویان می‌سپارند. توجیه عمده آنها نیز جلب مشارکت دانشجویان در فرایند یاددهی - یادگیری می‌باشد. اما م.ب، دانشجوی دکتری مدیریت صنعتی، نگاه دیگری به قضیه دارد: "یک ترم است که دکتر ع. ر. سر کلاس می‌آید و روی صندلی می‌نشیند ما هم می‌رویم کتاب را سر کلاس ارائه می‌دهیم. هیچ حرف تازه‌ای، نگاه جدیدی، هیچ چی! همان مطالب کتاب است که ما بصورت اسلاید دوباره بیان می‌کنیم. اگر هم اعتراض کنیم با عوارض وخیمی روبرو می‌شویم." دکتر س.ص. استاد جدیدالاستخدام دانشگاه نیز در تائید این حرف می‌گوید: "ترم اول یکی از اساتید قدیمی تر به من گفت زیاد خودت را اذیت نکن. کتاب را چند بخش کن ارائه هر بخش را به یک گروه بسپار. زود خودت را پیر نکن!" متأسفانه جریان فوق‌الذکر به روندی مرسوم تبدیل شده است و برخی اساتید با پوشش مشارکت، دانشجویان را وادار می‌کنند تا به انتقال و تدریس مطالب بپردازند و خودشان صرفاً نقشی نظارتی ایفا می‌کنند!

- استثمار روحی: با مروری کوتاه بر اسناد و اندیشه‌های حوزه آموزش عالی در اکثر

جوامع درمی‌یابیم که یکی از آن آرمان‌های دانشگاه توسعه آزاداندیشی و سعه‌صدر در کنشگران و عاملان این عرصه می‌باشد. اما به نظر می‌رسد قداست این امر در برخی حوزه‌های دانشگاهی ما به شدت دچار تزلزل شده است. زنت دانشجوی ارشد یکی از گرایش‌های علوم تربیتی می‌گوید: "هنگامیکه در مقطع کارشناسی تحصیل می‌کردم یکی از اساتید ما نگاه مثبتی به بچه‌های مذهبی نداشت بطوری که در کلاس به انحاء مختلف اعتقادات ما را بصورت غیرمستقیم زیر سوال می‌برد. برخی از ما نمی‌توانستیم هیچگونه اظهار عقیده و نظری در کلاس داشته باشیم." ع. م دانشجوی دکتری یکی از گرایش‌های مدیریت نیز می‌گوید: "یک بار دکت. م.ب از ما خواست که در مورد روش و رویکردی که مدعی بود خودش ابداع کرده نظر بدهیم. من به یکی

از گزینه‌ها امتیاز ۴ از ۵ دادم و این شروع یک دشمنی طولانی به خاطر اظهار عقیده‌ام بود." متأسفانه روحیه سعه‌صدر و نقدپذیری تا حد زیادی در بین عاملان عرصه دانشگاه از بین رفته است بطوریکه می‌توان نقد را نقطه شروع بسیاری از کینه‌ورزی‌ها و دشمنی‌ها در شرایط فعلی دانشگاه دانست. برخی از دانشجویان معتقدند باید صرفاً اندیشه‌های استاد را تایید کنند، در غیر اینصورت باید منتظر عواقب آن باشند!

– استثمار مالی: تعدادی از دانشجویان به دلیل وسع مالی ضعیف خود همواره درصدد تامین بخشی از هزینه‌های خود در طی دوره دانشجویی هستند. برخی اساتید نیز این گروه از دانشجویان را شناسایی کرده و در پروژه‌های خود درگیر می‌سازند. اما نتیجه کار از نظر مالی چندان برای دانشجویان جالب نیست. ه.د می‌گوید: "دکتر و.ج پروژه چند صد میلیونی با شرکت نفت دارد. تمام کار را من و چند تن دیگر انجام دادیم. ایشان فقط اسمش روی پروژه بود. یکسال وقت گذاشتیم و ۵ میلیون هم نگرفتیم. این با چه منطقی سازگار است؟". خانم ح.ه نیز در تأیید این حرف می‌گوید: "متأسفانه اساتید با ما مثل برده در پروژه‌هایشان رفتار می‌کنند. همه کار را ما انجام می‌دهیم و آخر هم پول بخور و نمیری به ما می‌دهند."

– (تلاش برای) استثمار جنسی: در یک جامعه سنتی که هنوز مسائل جنسیتی جز تابوها محسوب می‌شوند، به سختی می‌توان به واکاوی تجربه‌های تلخ جنسی پرداخت. این امر هنگامی محدودیت خویش را بارز می‌سازد که مصاحبه‌گر یک مرد بوده و قربانیان از بین زنان و دختران باشند. بدین منظور برای جمع‌آوری این بخش از داده‌ها از مصاحبه‌گر آموزش دیده زن استفاده شده است.

آ.ا دانشجوی ارشد فیزیک می‌گوید: "هر موقع می‌خواهم وارد اطاق استاد راهنمایم شوم همه بدنم می‌لرزد. متأسفانه رفتار دور از شأن یک استاد دارد و خیلی حرف‌های بدی می‌زند. همیشه سعی می‌کنم با یک همراه وارد اتاقش شوم." ن. د دانشجوی دکتری علوم تربیتی نیز خاطره‌ای از دوران سخت انجام رساله بیان می‌کند: "خیلی خوشحال بودم که با دکتر ن.و رساله‌ام را برداشته‌ام. شیوه تدریس، بیان، و نگاه پژوهشی‌شان عالی است. اما هنگامیکه ایمیل عاشقانه‌اش را دیدم می‌خکوب شدم. ایشان متاهل و صاحب ۲ دختر و ۲ پسر است. من هم متاهل هستم. بعداً فهمیدم برای ۴ تن دیگر نیز همین ایمیل عاشقانه را زده است. هنگامیکه برخورد سردی با ایشان داشتم، آزار و اذیتشان شروع شد: بی‌محلی، معلق گذاشتن کار،...". اینگونه آزارهای جنسی به گونه‌ای است که قربانیان امکان گزارش آن را نیز به ندرت پیدا می‌کنند، چرا که به قول ایشان از یکسو جامعه به سختی حرف‌هایشان را باور می‌کند و از سوی دیگر نهاد آموزش عالی سعی می‌کند برای حفظ وجهه و آبرو اینگونه موارد را علنی نسازد.

زیر پوست دانشگاه: واکاوی پدیده استثمار آکادمیک در ...

با توجه به اظهارات اطلاع رسان های پژوهش، تلاش برای آزار و استثمار جنسی در برخی نهادهای آموزش عالی وجود دارد اما اینکه این رابطه استثماری واقعا شکل گرفته باشد نیازمند بررسی و تحقیق عمیق تر می باشد.

ج - ۲- شرایط علی: در رویکرد گراند تئوری، "شرایط علی به عوامل یا رویدادهایی اشاره دارد که منجر به شکل گیری پدیده یا مقوله محوری می شوند." (کرسول، ۲۰۱۱). بر اساس داده های حاصل در این پژوهش، عواملی که منجر به شکل گیری پدیده استثمار آکادمیک در نظام آموزش عالی ایران می شوند را می توان به شرح ذیل دسته بندی کرد:

- عوامل ساختاری: فقدان ساز و کارهای اداری مناسب و عادلانه که دانشجویان به عنوان کنشگر اصلی نظام آموزش عالی بتوانند شکایات و نارضایتی خویش را از طریق آن اعلام و پیگیری کنند، بدون اینکه پیامدهای ناگواری برای آنها به همراه داشته باشد.

- عوامل فرهنگی: وجود باورهای رایج در مورد جایگاه برتر و متعالی اساتید، و نادرست بودن اعتراض علنی به خطاها و اشتباهات آنها.

- عوامل اقتصادی: وابستگی مالی تعدادی از دانشجویان به اساتید به منظور بهره مندی از مزایای مالی مشارکت در پروژه ها.

- عوامل آکادمیک: تخصص انحصاری اساتید در برخی حوزه های خاص و الزام دانشجویان به تعامل با آنها به دلیل انحصارگرایی علمی.

شرایط علی

نمونه مصادیق	ابعاد
الف - ط (دانشجوی دکتری): "اگر اساتید بخواهند دانشجویی را تنبیه کنند همه نوع سازوکاری در اختیار دارند. اما من شکایت استاد را به کی ببرم?!" ح.ع (دانشجوی ارشد): "یک بار از استادم پیش رئیس گروه شکایت کردم، متاسفانه به گوش ایشان رسید و تا چند وقت از زندگی ساقطم کرد!"	عوامل ساختاری
ز.ر (دانشجوی ارشد): "بالاخره شان و حرمت استاد به گونه ای است که بهتر است به ایشان بی احترامی صورت نگیرد. نباید حرمت اساتید	عوامل فرهنگی

نمونه مصادیق	ابعاد
زیر پا گذاشته شود." د.ب (دانشجوی دکتری): "اگر بخواهم از استاد راهنمایم شکایت کنم، همه می گویند کار درستی نمی کنی، زشت است."	
م.ر (دانشجوی ارشد): "من وضع مالی چندان خوبی ندارم. برای پروژه استادم خیلی وقت می گذارم اما مبلغی که به من می دهند خجالت آور است. ولی چه کنم که نیاز دارم." ج.ح (دانشجوی ارشد): "مبلغی که استادم به من می دهد خیلی کم است، اما چاره ای جز این فعلاً ندارم."	عوامل اقتصادی
آ. آ (دانشجوی ارشد): "من علاقه ای به کار با این استاد ندارم. ولی متأسفانه تنها فردی است که در ایران روی این موضوع کار می کند." ا.ش (دانشجوی دکتری): "متأسفانه موضوع رساله من خیلی تخصصی است و مجبورم با ۱ یا ۲ استاد خیلی خاص کار کنم. این اساتید هم که اصلاً وقت و تعهدی برای کار دانشجو ندارند."	عوامل آکادمیک

ج - ۳: راهبردها: راهبردها همان کنش ها و واکنش هایی هستند که جامعه در مقابل پدیده محوری از خود بروز می دهد (کرسول، ۲۰۱۱). داده های حاصل از مصاحبه ها نشان می دهند که دانشجویان به عنوان کنشگران اصلی آموزش عالی سه واکنش مهم در مقابل "استثمار آکادمیک" از خود بروز می دهند:

- انقیاد ظاهری: پذیرش ظاهری شرایط موجود در حالیکه درون افراد مملو از احساس تنفر و کینه نسبت به تحت ظلم بودن است.

- اعتراض پنهانی: اگر چه فقدان ساختارهای عادلانه اداری امکان اعتراض را از دانشجویان سلب کرده است، اما شکل گیری فضای مجازی زمینه هایی را برای طغیان های

زیر پوست دانشگاه: واکاوی پدیده استثمار آکادمیک در ...

ناشناس فراهم کرده است. امروزه تعداد زیادی از دانشجویان ناراضی اعتراض خود را به انحاء مختلف از طریق شبکه‌های اجتماعی مطرح می‌سازند تا عوارض و پیامدهای ناگواری برای آنها به همراه نداشته باشد. البته جمع‌های دوستانه و گروه‌های غیررسمی دانشجویی نیز فضای نابی برای بروز اعتراضات می‌باشند.

– همدستی: اگر چه تعدادی از دانشجویان وجود استثمار آکادمیک در نظام آموزش عالی را پذیرفته و آن را تقییح می‌کنند، اما به منظور رفع نیازها و تحقق مقاصد خویش شرایط را پذیرفته و حتی خود همدست استثمارگران می‌شوند.

راهبردها

نمونه مصادیق	انواع
الف. (دانشجوی ارشد) "از این شرایط راضی نیستم. ولی لبخند می‌زنم و به روی خودم نمی‌آورم. چون چاره‌ای ندارم." ر.ز. (دانشجوی دکتری): "این شرایط بسیار رقت‌آور است. ولی اگر اعتراضی کنیم دچار دردسر می‌شویم پس بهتر است فقط تعریف کنیم."	انقیاد ظاهری
ب.ن. (دانشجوی دکتری): "حال که کسی به اعتراض گوش نمی‌دهد، ما هم در فضای مجازی آبروی این به ظاهر اساتید را می‌بریم. برای همه حرف‌هایمان هم سند داریم." ر.د. (دانشجوی ارشد): "در ظاهر لبخند می‌زنیم، ولی هر جا که بتوانیم آبرویشان را می‌بریم."	اعتراض پنهانی
ن.د. (دانشجوی دکتری): "یکی از دانشجویها که سال‌هاست با دکتر ر.گ کار کرده و تحت استثمار او بوده، اکنون به همدست خوبی برای او تبدیل شده و بقیه را به اسم این استاد چپاول می‌کند." د.ح. (دانشجوی ارشد): "متأسفانه برخی دانشجویان دکتری همدست این اساتید	همدستی

نمونه مصادیق	انواع
می‌شوند و دانشجویهای ارشد را تحت ظلم قرار می‌دهند تا کارشان پیش رود."	

ج - ۴: بافت: منظور از بافت، عوامل خاصی هستند که منبث از پدیده محوری بوده و بر راهبردهای اتخاذ شده جامعه تاثیر می‌گذارند (کرسول، ۲۰۱۱). در پژوهش حاضر، عمده‌ترین عاملی که انتخاب راهبردها توسط اعضاء جامعه را تحت تاثیر قرار می‌داد، "جایگاه استشارگر - استشارشونده" بود. بدین معنی، هرچه جایگاه استشارگر در ساختار اداری و سیاسی جامعه بالاتر باشد، میزان انقیاد در برابر وی توسط کنشگران افزایش می‌یابد و هر چه وی در ساختار اداری جایگاه متزلزل تری داشته باشد، امکان مقاومت و اعتراض در برابر وی افزایش پیدا می‌کند.

بافت

نمونه مصادیق	عوامل زمینه‌ای
ر.ت (دانشجوی دکتری): "فلانی معاون وزیر است مگر می‌شود به او اعتراض کرد! جرأتش را ندایم. به همین خاطر همه دق دلی‌مان را سر م.د پیاده می‌کنیم که استاد تازه وارد است و هنوز با شرایط آشنا نیست." دانشجویها اول بررسی می‌کنیم ببینیم فلان استاد چکاره است بعد به نسبت جایگاه وی از او انتقاد می‌کنیم! خودمان نیز حق‌کشی می‌کنیم!"	جایگاه استشارگر- استشار شونده

ج - ۵- شرایط مداخله‌گر: شرایط مداخله‌گر، عوامل کلی هستند که بر انتخاب راهبردها توسط اعضاء اجتماع تاثیر می‌گذارند (کرسول، ۲۰۱۱). بر اساس یافته‌های حاصل از

زیر پوست دانشگاه: واکاوی پدیده استثمار آکادمیک در ...

پژوهش حاضر، عمده‌ترین شرایط مداخله‌گر "باور رایج" می‌باشد. بدین ترتیب اگر اعتقاد عمومی جامعه این باشد که اعتراض و مقاومت نتیجه‌بخش خواهد بود و عوارض وخیمی به همراه نخواهد داشت به درجات مختلف طغیان خواهد نمود. اما هنگامیکه باور رایج اینگونه باشد که اعتراض و طغیان پیامدهای ناگواری به همراه خواهد داشت، بیشتر به سمت انقیاد و پذیرش گرایش پیدا می‌کند. باور موجود در بین دانشجویان بر این مفروضه استوار است که اعتراض و مقاومت منجر به پیامدهایی وخیم برای آنها خواهد شد. لذا این وضعیت منجر به شکل‌گیری "درماندگی آموخته"^۱ در بین برخی کنشگران شده است: وضعیت همین است و هیچ تغییری نخواهد کرد!

شرایط مداخله‌گر

نمونه مصادیق	انواع
ش.ش (دانشجوی ارشد): "خب من خیلی از این اساتید شاکی‌ام! می‌خواهم شکایت کنم! نتیجه‌اش معلوم است: نهایتاً من محکوم می‌شوم!" ش.پ (دانشجوی دکتری): "همه ما می‌دانیم آنچه به جایی نرسد فریاد است! پس بهتر است بی خیال شکایت و پیگیری شویم: همه‌شان دستشان توی یک کاسه است."	باور رایج

ج - ۶- پیامدها: در رویکرد نظریه مبنائی، پیامدها نتایج قصد شده یا قصدناشده حاصل از بکارگیری و اتخاذ راهبردها هستند (کرسول، ۲۰۱۱). بر اساس داده‌های حاصل، پیامدهای حاصل از اتخاذ راهبردهای سه‌گانه فوق‌الذکر به شرح ذیل می‌باشند:

- بازتولید استثمار: افرادی که در شرایط استثمار آکادمیک تربیت یافته‌اند غالباً به این باور رسیده‌اند که شرایط موجود قابل تغییر نیست و می‌باید با جریان موجود حرکت کرد. فقدان سیستم نظارتی مناسب و عدم وجود ساز و کارهای درست برای شنیده شدن صداهای خفته و تحت استثمار، باعث شده است تا شرایط موجود تا حد زیادی توسط کنشگران جدید عرصه آموزش عالی باز تکرار شود. بدین ترتیب، دانشجویانی که تا دیروز منتقد شرایط ظالمانه بودند امروزه به اساتیدی تبدیل شده‌اند که همپای گذشتگان خویش، شرایط استثمار و بهره‌کشی را تداوم می‌بخشند.

^۱ - learnt helplessness

- تقلب پروری: امروزه تقلب و عدم رعایت هنجارهای آکادمیک به واقعیت عمومی و آشکار نظام آموزش عالی تبدیل شده است. استادان برای پیشرفت و ارتقاء در سیستم اداری و دانشجویان برای برآورده نمودن خواسته‌های شخصی، و گاه ناعادلانه اساتید، راه سریع و کم دردسزتر تقلب را برمی‌گزینند. ابعاد این تقلب را می‌توان داده‌سازی، سرقت علمی، ترجمه نادرست، عدم وفاداری به منابع، عدم ارجاع درون - برون متنی، ... دانست. شدت این تقلب به حدی است که چندی پیش گروه نشریات معتبر *Nature*، ۵۸ مقاله چاپ شده در این نشریات از سوی اساتید ایرانی را تقلب‌آمیز خواند که حدود ۳۹۸ تن از اساتید دانشگاه‌های وابسته به وزارت علوم، بهداشت، و دانشگاه آزاد در تولید آن نقش داشتند (پایگاه خبری-تحلیلی انتخاب^۱، ۱۳۹۵). همچنین در سال ۱۳۹۴ یک عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد به دلیل ۲۵۰ مقاله سرقتی تحت پیگرد قانونی قرار گرفت (همشهری آنلاین^۲، ۱۳۹۴). این معضل به حدی وخیم است که امروزه برخی موسسات بصورت آزاد وعده انجام پایان‌نامه، چاپ مقاله، و انتشار کتاب را در قبال مبالغی به شما می‌دهند.

- افول نهاد علم: کژکارکردی نظام آموزش عالی به حدی رسیده است که امروزه نگاه مثبتی نسبت به کنشگران عرصه دانشگاه وجود ندارد. دانشگاهیان که روزی به عنوان انسان‌هایی الوهی در جامعه ایران شناخته می‌شدند امروزه مورد بدگمانی قرار گرفته‌اند و با برچسب‌هایی چون کاسب، ظالم،... بدانها نگریسته می‌شود. تولید علم به هر قیمتی صورت می‌گیرد و هدف آن افزایش ارقام مربوط به تعداد مقالات است تا حکومت آن را به عنوان مبنایی برای آمارهای سیاسی تولید علم استفاده کند و اساتید آن را سکویی برای ارتقاء ساختاری و سازمانی خویش قرار دهند. در طی چند سال اخیر، به موازات افزایش چشمگیر مقالات علمی - پژوهشی مسائل و دغدغه‌های جامعه نیز افزایش داشته است و این نشان می‌دهد که رابطه چندانی بین دغدغه‌های جامعه با پروژه‌های پژوهشی دانشگاه وجود ندارد. مسائلی از این دست نگاه جامعه به دانشگاه به عنوان یک عنصر کارآمد را به شدت تحت تاثیر قرار داده است.

پیامدها

نمونه مصادیق	انواع
ن.ک (استاد پیشکسوت دانشگاه): "دانشجویان منتقد دیروز به استادان ظالم و زورگوی امروز تبدیل شده‌اند".	بازتولید استثمار

¹ - www.entekhab.ir

² - www.hamshahrionline.ir

نمونه مصادیق	انواع
ک.د (استاد پیشکسوت دانشگاه): "دانشجویانی که قبلاً من و همکارانم را به انواع اتهامات متهم می‌کردند، امروز چنان تاخت و تاز ظالمانه‌ای دارند که دیدنی است."	
د.ب (دانشجوی دکتری): "متأسفانه امروزه به جای آموزش و پژوهش، شیوه‌های مختلف تقلب است که در دانشگاه رشد و نمو می‌یابند." "م.د (استاد دانشگاه): "این همه دانشجویان را اینجا جمع کرده‌ایم تا شیوه کپی‌برداری و داده‌سازی را به آنها آموزش دهیم!"	تقلب پروری
ن.ک (استاد پیشکسوت دانشگاه): "مگر چیزی هم از حرمت دانش و دانشگاه باقی مانده است؟ اینجا مغازه کسب و کار است نه دانشگاه!" ن.ف (استاد دانشگاه): "اینجا فقط ما آداب و رسوم علم را به جا می‌آوریم و درس می‌دهیم، امتحان می‌گیریم، مقاله می‌نویسیم اما از خود علم خبری نیست."	افول نهاد علم

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

یافته‌های حاصل از این پژوهش وضعیت چندان مطلوبی را در نظام آموزش عالی ایران نشان نمی‌دهند. درگیر بودن مسئولان به دغدغه‌های سیاسی، سیطره کمیت‌گرایی بر دانشگاه‌ها، رشد کمی و بی حد و حصر موسسات آموزش عالی، افزایش چشمگیر میزان پذیرش دانشجویان بدون توجه به نیازهای بازار کار، فقدان سیستم نظارتی مناسب، افول کیفیت آموزش و پرورش در دانشگاه‌ها،... از جمله علل این وضعیت نامطلوب می‌باشند. البته پژوهش‌های متعدد صورت گرفته در طی چند سال گذشته نیز ابعاد مختلف این معضلات را تا حد زیادی به تصویر کشیده‌اند. پژوهش صورت گرفته توسط قاضی طباطبائی و دادهیر (۱۳۸۰) که ۱۶ سال قبل صورت پذیرفته است، نشان می‌دهد که در موسسات آموزش عالی ایران، "پیروی از ضدهنجارهای علم" بیشتر از "پیروی از هنجارهای علم" ارزیابی می‌شود. همچنین ایمانی، یعقوبی، یوسف‌زاده، ویسی کهره، و محقق (۱۳۹۴) نیز در پژوهش خویش دریافتند که بین تحصیل در دانشگاه با خستگی هیجانی، بدبینی و ناکارآمدی دانشجویان رابطه معنادار وجود دارد.

پردخته، کاظم پور، و شکیبایی (۱۳۹۴) نیز در تحقیق صورت گرفته در بین دانشجویان شرق استان گیلان به این نتیجه رسیدند که نهاد دانشگاه به اشاعه نابرابری جنسیتی، شکل‌گیری کلیشه‌های جنسیتی، و توسعه ایدئولوژی مردسالاری دامن می‌زند. البته پژوهش مصّلی‌نژاد، پرنداور، و رضایی (۱۳۹۲) نیز نتایج خوشایندی را نشان نمی‌دهد: اساتید بیشتر یاس و ناامیدی را در دانشجویان پرورش می‌دهند، رفتار عادلانه‌ای در قبال دانشجویان رشته‌های مختلف ندارند، و سوگیری جنسیتی و نگرش مردسالارانه در مقالاتشان وجود دارد. و نهایتاً پژوهش بهرام، ساکتی، مسعودی، و مهرمحمدی (۱۳۸۵) نشان می‌دهد که برنامه درسی پنهان دانشگاه در ابعاد مختلف آن نقشی موثر در کاهش هویت علمی دانشجویان داشته است.

نگاهی اجمالی به پژوهش‌های فوق نشان می‌دهد که نهاد دانشگاه دچار کژکارکردی‌های اساسی شده و آنچه از آن انتظار می‌رود را به سختی برآورده می‌سازد. اگرچه سیاست‌گذاران آموزش عالی در ایران همواره تلاش کرده‌اند از طریق سیاست‌ها و برنامه‌های درسی رسمی، نسلی مطابق با آرمان‌های حکومت تربیت کنند، اما به نظر می‌رسد آنچه عملاً در محیط دانشگاه در چارچوب برنامه درسی قصد نشده و پنهان روی می‌دهد با انتظارات آنها بسیار فاصله دارد. دانشجویان نسل امروز اموری را در دانشگاه می‌آموزند که با آرمان‌های مصرح دانشگاه بسیار فاصله دارد. بر همین اساس پژوهش حاضر سعی نمود تا بر مبنای نظریه کارکردی-ساختاری، به شناسایی کژکارکردی اصلی نظام آموزش عالی بپردازد.

یافته‌های پژوهش نشان دادند آموزش عالی که همواره در باور و عرف عمومی و بر مبنای عقل سلیم به عنوان نهادی آزاداندیش و الوهی تصور می‌شد، امروزه به مکانی برای استثمارگری علمی و ستم‌ورزی تبدیل شده است. فقدان ساختارهای نظارتی مناسب، وجود باورهای فرهنگی نادرست، شرایط اقتصادی و انحصارگرایی علمی در شکل‌گیری این استثمار در ابعاد مختلف آن (آموزشی، پژوهشی، مالی، روحی، جنسی) سهم داشته و جامعه دانشگاهی با راهبردهایی نظیر انقیاد، همدستی، و صرفاً اعتراض پنهانی بدان پاسخ می‌دهد. اتخاذ چنین راهبردهایی نهایتاً موجب بازتولید استثمار، تقلب‌پروری و افول نهاد علم در چنین نهاد به ظاهر مقدسی شده است. البته ظاهراً پدیده استثمار آکادمیک اخیراً به دغدغه‌ای بین‌المللی تبدیل شده است. برای مثال مارتین^۱ (۲۰۱۳) در نوشتاری با عنوان "مقابله با استثمار اساتید راهنما"^۲ به بررسی ابعاد این پدیده پرداخته است. وی معتقد است برخی اساتید راهنما در دانشگاه‌های استرالیا امتیازات ناعادلانه‌ای را بر مبنای تلاش‌های پژوهشی دانشجویانشان کسب می‌کنند و بدین ترتیب به

^۱ Martin

^۲ Countering supervisor exploitation

زیر پوست دانشگاه: واکاوی پدیده استثمار آکادمیک در ...

آینده شغلی و روحیه دانشجویانشان صدمه وارد می کنند. دانشجویان نیز مجبورند گزینه هایی چون پذیرش، همدستی، مقاومت، ترک تحصیل و یا شکایت را اتخاذ کنند. از سوی دیگر هنگامیکه اساتید درمی یابند رفتارهایشان از نگاه جامعه شبهه انگیز شده و ممکن است مورد اتهام گیرند سعی می کنند با ساز و کارهایی چون لاپوشانی، کم ارزش جلوه دادن کار دانشجوی، سفسطه گری و بزرگ جلوه دادن نقش خود، بهره گیری از نفوذ خویش در ساختار اداری، و تهدید و ارعاب به مقابله برخیزند. مارتین استثمار آکادمیک را نوعی سرقت ادبی^۱ دانسته و معتقد است پدیده مذکور در برخی فرهنگ های دانشگاهی به قدری رسوخ کرده است که به عنوان روندی عادی و معمول بدان نگریسته می شود! آرون بابو^۲ (۲۰۱۰) نیز در مقاله ای با عنوان "استثمار آکادمیک: حقیقتی زشت و پنهان"^۳ به بیان نمونه هایی از استثمارگری اصحاب علم پرداخته و معتقد است که معضل مذکور به واقعیتی رایج تبدیل شده و تلاشی نیز برای مستندسازی آن صورت نپذیرفته است. به عقیده وی ریشه کن کردن این معضل به دلیل ماهیت پنهان و مرموز آن غیرممکن بوده و این خود اصحاب علم هستند که می باید با رفتاری حرفه ای گونه به معیارهای اخلاقی پایبند گردند.

با توجه به آنچه بیان شد، شاید بتوان با به کارگیری راهکارهای ذیل تا حدی شرایط استثمارگری موجود را التیام بخشید یا با آن به مبارزه پرداخت:

- نظام آموزش عالی در ایران به شدت بازاری شده است. اگرچه دانشگاه های ما تمامی رسومات مربوط به نهاد علم را برآورده می سازند (آموزش، آزمون، جلسه دفاع، ..)، اما نهایتاً به ندرت صلاحیت های لازم در یادگیرندگان شکل می گیرند و این تصور به وجود می آید که اینها بیشتر رسوم مدرک فروشی هستند تا علم آموزی. با توجه به عدم تمایل حکومت به کاهش تعداد دانشگاه ها پیشنهاد می شود یک ساختار ارزیابی متمرکز و قدرتمند وظیفه تایید صلاحیت های حرفه ای فارغ التحصیلان را به عهده گیرد.

- برای شنیدن صداهای خفته و اعتراضات دانشجویان می توان با تامین ساختارهای پاسخگویی مناسب، زمینه استثمارگری اساتید را کاهش داد.

- امروزه پیش از گذشته نیاز به مشخص نمودن نقش و سهم دانشجویان در تولید آثار پژوهشی حس می شود. لذا وجود ساز و کارهای قانونی مناسب برای مقابله با سهم خواهی اساتید در آثاری که در آنها نقشی نداشته اند به شدت ضروری به نظر می رسد.

¹ plagiarism

² Arun babu

³ Academic Exploitation- The Hideous Hidden Truth

منابع فارسی

- احمدیان، مینا و سبحانی‌نژاد، مهدی (۱۳۹۲). بررسی رابطه میان مولفه‌های برنامه درسی پنهان با ابعاد گرایش به تفکر انتقادی دانشجویان. پژوهش‌های آموزش و یادگیری (دانشور رفتار). سال ۲۱، شماره ۴، بهار و تابستان ۱۳۹۳، صص ۱۱۲-۸۷.
- ادیب، یوسف و سرداری، مرضیه (۱۳۹۳). پدیدارشناسی تجارب دانشجویان از برنامه درسی پنهان در دروس معارف اسلامی. دو فصلنامه پژوهشی علوم تربیتی از دیدگاه اسلام. سال دوم، پاییز و زمستان ۹۳، شماره ۳، صص ۱۳۱-۱۱۳.
- امین، محمد، محمدی‌زاده، مریم، ماشاللهی‌نژاد، زهرا، علیزاده، مرضیه (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین مولفه‌های برنامه درسی پنهان و روحیه علمی دانشجویان. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی. شماره ۶۲، صص ۱۰۳-۸۱.
- امینی، محمد، تمنایی‌فر، محمدرضا، ماشاللهی‌نژاد، زهرا (۱۳۹۳). بررسی برنامه درسی پنهان از دیدگاه دانشجویان رشته‌های علوم پزشکی کاشان، مجله‌ی توسعه آموزش در علوم پزشکی. دوره ۸، شماره ۱۸، صص ۱-۱۳.
- ایمانی، صدف، یعقوبی، ابولقاسم، یوسف‌زاده، محمدرضا، ویسی‌کهره، سعید، و محقق، حسین (۱۳۹۴). رابطه برنامه درسی پنهان با تحلیل رفتگی آموزشی دانشجویان دانشگاه بوعلی سینا همدان. پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، سال دوازدهم، دوره دوم، شماره ۱۸ (پیاپی ۴۵). صص ۴۱-۲۹.
- بزرگ، حمیده و خاکباز، عظیمه سادات (۱۳۹۲). استاد راهنمای پنهان: برنامه درسی برآمده از تعامل استاد راهنما و دانشجو در پایان‌نامه‌های کاشناسی ارشد (مورد مطالعاتی رشته علوم تربیتی). پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، سال دهم، دوره دوم، شماره ۹ (پیاپی ۳۶). صص ۵۰-۳۸.
- پردخته، فرهاد، کاظم‌پور، اسماعیل، و شکیبایی، زهره (۱۳۹۴). رابطه بین برنامه درسی پنهان و نابرابری‌های جنسیتی در دانشجویان دانشگاه. پژوهش در برنامه‌ریزی درسی. سال دوازدهم، دوره دوم، شماره ۲۰ (پیاپی ۴۷) صص ۲۷-۱۶.
- پیری، موسی و نیک‌پیران، منیره (۱۳۹۲). تبیین ابعاد برنامه درسی پنهان در دروس معارف اسلامی مقطع کارشناسی نظام آموزش عالی. پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی. شماره ۳۱، زمستان ۱۳۹۲، صص ۸۶-۷۱.
- تقوائی یزدی، زهرا، رحیمی، حمید، و یزدخواستی، علی (۱۳۹۲). بررسی برنامه درسی پنهان دانشگاه علوم پزشکی کاشان از دیدگاه دانشجویان. مجله‌ی توسعه آموزش در علوم پزشکی. دوره ۶، شماره ۱۲، صص ۲۳-۱۴.
- دفتر مقام معظم رهبری (۱۳۸۲). سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴. تهران: دفتر مقام معظم رهبری.

زیر پوست دانشگاه: واکاوی پدیده استثمار آکادمیک در ...

- رباطی، فاطمه السادات، محمد باقری، محمد، و حسنی، فاطمه (۱۳۹۳). واکاوی برنامه درسی پنهان در دوره پژوهشی مقطع دکتری. گام‌های توسعه در آموزش پزشکی. دوره دوازدهم، شماره اول، صص ۶۴-۷۵.

- سبحانی‌نژاد، محمدی و حسینی یزدی، عطیه سادات (۱۳۹۳). بررسی روابط همبستگی و سهم تبیین مولفه‌های برنامه درسی پنهان با ابعاد نگرش جامع پژوهشگری دانشجویان علوم تربیتی دانشگاه‌های دولتی شهر تهران. پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، سال یازدهم، دوره دوم، شماره ۱۴ (پیاپی ۴۱). صص ۱۱۶-۱۳۴.

- سبحانی‌نژاد، مهدی، احمدآبادی آرانی، نجمه، محمدی، آزاد، محمدی، صمد (۱۳۹۴). تبیین بازتولید فرهنگی، طبقاتی دانشگاهی با تاکید بر مولفه‌های ناهمسوی برنامه‌های درسی پنهان به منظور طرح ملاحظات کاربردی دانشگاهی. پژوهش در برنامه‌ریزی درسی. سال دوازدهم، دوره دوم، شماره ۲۰ (پیاپی ۴۷)، صص ۱۱۶-۱۰۴.

- شریعتمداری، علی (۱۳۸۱). چگونگی ارتقاء سطح علمی کشور. تهران: انتشارات فراشناختی اندیشه.

- شریف مجنونی، مهسا، یزدانخواه فرد، محمدرضا، روانی‌پور، مریم، معتمد، نیلوفر، پولادی، شهناز، و احمدلو، جواد (۱۳۹۵). دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بوشهر از نقش برنامه درسی پنهان در انتقال ویژگی‌های حرفه‌ای‌گری: یک تحقیق کیفی، مجله مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی یزد. دوره یازدهم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۵، صص ۹۰-۷۶.

- شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۰). نقشه جامع علمی کشور. تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.

- صفائی موحد، سعید (۱۳۹۰). تبیین تفاوت‌های چهاره‌ای پنهان (برنامه درسی پنهان) در انتخاب استاد راهنما در دانشکده‌های علوم ریاضی و علوم تربیتی. پایان‌نامه دکتری دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه خوارزمی.

- صفائی موحد، سعید و باوفا، داود (۱۳۹۲). عوامل شکل دهنده برنامه درسی پنهان در آموزش عالی ایران: یک مردم‌نگاری خودنگاشت. دو فصلنامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی، سال ۴، شماره ۷، بهار و تابستان، صص ۵۳-۳۰.

- فراستخواه، مقصود (۱۳۸۹). دانشگاه و آموزش عالی. تهران: نشر نی.

- قاضی طباطبائی، محمود و دادهیر، ابوعلی (۱۳۷۹). سوگیری هنجاری و اخلاقی در پژوهش‌های دانشگاهی. فصلنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز. شماره ۱۸۱، ۱۸۰، صص ۲۲۶، ۱۸۷.

- قانع‌ی راد، محمدمین (۱۳۸۱). شیوه جدید تولید دانش: ایدئولوژی و واقعیت. مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره چهارم، شماره ۳، صص ۲۸-۵۹.

- قانع‌ی راد، محمدمامین و خسروخاور، فرهاد(۱۳۹۰). جامعه‌شناسی کنشگران علمی در ایران. تهران: نشر علم.
- قانع‌ی راد، محمد امین، ملکی، امیر، و محمدی، زهرا(۱۳۹۲). تحول فرهنگی در علم: از علم دانشگاهی تا علم پسادانشگاهی. فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، دوره ۶، شماره ۴، صص ۳۱-۵۹.
- گزیده نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن (۱۳۹۰). درگاه ملی آمار. آخرین بازدید: ۱۳۹۶/۱/۲.
- محمدی، مهدی، ناصری جهرمی، رضا، رحمانی، هادی، محسنی شهرکی، هاجر (۱۳۹۱). ارائه مدل توضیحی ادراک دانشجویان از کیفیت مسئولیت‌های استادان، برنامه‌ی درسی پنهان، و دستاوردهای آنان از تحصیل در دانشگاه. پژوهش‌های برنامه‌ی درسی. دوره‌ی دوم، شماره‌ی اول، بهار و تابستان ۱۳۹۱، صص ۱۸۱-۱۵۳.
- مجلل چوبقلو، محمدعلی و تمجدتاش، الهام (۱۳۹۰). بررسی و تحلیل نقش مولفه‌های برنامه‌ی درسی پنهان در تحکیم هویت علمی دانشجویان (مطالعه موردی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب). فصلنامه روانشناسی تربیتی، سال ۲، شماره چهارم، (پیاپی ۸) زمستان ۱۳۹۰، صص ۶۷-۵۳.
- مصلی‌نژاد، لیلی، پرن‌دآور، نحل، رضایی، الهه (۱۳۹۲). تجربه دانشجویان در زمینه برنامه‌ی درسی پنهان: یک مطالعه کیفی. مجله دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان. دوره ۱۳، صص ۱۲۴-۱۱۱.
- مصلی‌نژاد، لیلی و مرشد بهبهانی، بهار(۱۳۹۲). نقش استادان در شکل‌گیری ابعاد برنامه‌ی درسی پنهان: یک مطالعه کیفی. گام‌های توسعه در آموزش پزشکی. دوره دهم، شماره دوم، صص ۲۲-۱۱.
- مهram، بهروز، ساکتی، پرویز، مسعودی، اکبر، و مهرمحمدی، محمود (۱۳۸۵). نقش مولفه‌های برنامه‌ی درسی پنهان در هویت علمی دانشجویان (مطالعه موردی: دانشگاه فردوسی مشهد). فصلنامه مطالعات برنامه‌ی درسی. دوره ۱، شماره ۳، صص ۲۹-۳.
- معین، محمد (۱۳۸۷). فرهنگ فارسی (معین). تهران: فرهنگ نما.
- ودادهیر، ابوعلی، فرهود، داریوش، قاضی طباطبایی، محمود، و توسلی، غلامعباس(۱۳۸۷). معیارهای رفتار اخلاقی در کار علمی(تاملی بر جامعه‌شناسی اخلاق در علم-فناوری مرتن و رزنیک. فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال سوم، شماره‌های ۳ و ۴، صص ۶-۱۶.
- یاسپرس، کارل(۱۹۵۹/۱۳۹۴). ایده دانشگاه. ترجمه مهدی پارسا و مهرداد پارسا. تهران: انتشارات ققنوس.

- Arun babu, Thirunavukkarasu (2010). Academic Exploitation: The Hideous Truth. WebmedCentral MISCELLANEOUS 2010; 1(9): WMC00511
- Boostrom, Robert (2010). Hidden Curriculum. In *Encyclopedia of Curriculum Studies*. Carraig Kridel(Ed). SAGE Publications, Los Angeles.
- Brinkerhoff, David B., White, Lynn K., Ortega, Suzanne T., and Weitz, Rose (2011). *Essentials of Sociology*. Wadsworth, Cengage Learning

زیر پوست دانشگاه: واکاوی پدیده استثمار آکادمیک در ...

- Creswell, John W. (2011). Educational Research: Planning, conducting, and Evaluating Quantitative and Qualitative Research. Merrill Education.
- Margolis, Eric (2001). Hidden Curriculum in Higher Education. Routledge.
- Martin, B. (2013). Countering supervisor exploitation. Journal of Scholarly Publishing, 45(1), 74-86.



